

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۹

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش های مهدوی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۱۳

سال هشتم، شماره ۳۰، پاییز ۱۳۹۸

بررسی فضای سیاسی فرهنگی عربستان در پیش از ظهور با استفاده از روایتی از کتاب الکافی

کامران اویسی^۱

وحید ترکاشوند^۲

چکیده

بیدایش جریان ها و تحولات فرهنگی، سیاسی جوامع اسلامی یکی از مهم ترین مسائلی بوده است که همواره مورد توجه معصومان علیهم السلام بوده است. روایت بطشه یکی از آن روایاتی است که در قالب یک سؤال و جواب کوتاه، درصدد ترسیم چند چالش اساسی پیش از ظهور و منشأ آنها برآمده است؛ از جمله فشار و مقابله شدید سیاسی، فرهنگی عربستان با نشر معارف و فرهنگ شیعه و پنهان گشتن تدریجی علوم اهل بیت علیهم السلام در آن جا و جریان اختلاف و نزاع درونی شیعیان. منشأ همه مشکلات در روایت، بسته به جریان فکری حاکم بر عربستان است و در نهایت، با بشارت تحقق جمیع خیر، به مهم ترین چالش روانی شیعیان عصر ظهور، در مواجهه با حوادث متصل به ظهور سامان داده است. از جمله فقره های روایت مذکور، مخفی گشتن تدریجی علم مانند خزیدن مار به آشیانه خود، از روی ترس، در منطقه بین دو مسجد مسجدالحرام و مسجدالنبی است. علم با توجه به مبادی مشتق عالم مطرح گردیده است. پنهان گشتن معارف اصیل اسلامی به واسطه سخت گیری

۱. استادیار گروه قرآن و متون اسلامی دانشگاه معارف اسلامی قم (oveysi@maaref.ac.ir).

۲. دانشجوی ارشد مدرسی معارف اسلامی گرایش قرآن و متون اسلامی دانشگاه معارف اسلامی قم (نویسنده مسئول)

(torkashwand68@gmail.com).

شدید حکام عربستان و انتشار دروغ و شایعه در جوامع شیعی به عنوان دو منشأ اساسی اختلاف و نزاع معرفی شده است. این وقایع به صورت فترت و دوره متصل با ظهور اتفاق می‌افتد. بنابراین امام با طرح سؤال ابتدایی، چند چالش اساسی شیعیان عربستان و سایر جوامع را مطرح کرده و با اشاره به منشأ آن، زیرکانه راه نفوذ و مقابله با آن را اشاره کرده است. نیز ذهنیت ابان به عنوان راوی حدیث مذکور را نسبت به چالش غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیک و حوادث مرتبط با آن را آماده کرده است، و فشار روانی او و جمیع شیعیان را با بشارت امیدبخش ظهور تسکین داده است.

واژگان کلیدی

بطشه، ظهور، اختلاف الشیعة، مسجدین، یأرز العلم.

مقدمه

پیدایش جریان‌ها و تحولات فرهنگی، سیاسی جوامع اسلامی یکی از مهم‌ترین مسائلی بوده است که همواره مورد توجه معصومان بوده است. روایات مهدویت یکی از مهم‌ترین گروه روایاتی هستند که با ظرافت تمام و با هدف ایجاد جریان انتظار و آماده‌سازی شیعیان نسبت به چالش‌های اساسی قبل عصر ظهور، به تبیین فضای سیاسی، فرهنگی مسلمانان پرداخته‌اند. روایتی در کتاب شریف *اصول کافی* درباره چالش پیش از ظهور نقل گردیده است که در این نوشتار به روایت بطشه نامبردار است. متن و ترجمه آن در ادامه می‌آید:

وَهَذَا الْإِسْنَادِ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام كَيْفَ أَنتَ إِذَا وَقَعَتِ الْبَطْشَةُ بَيْنَ الْمُسْجِدَيْنِ - فَيَأْرُزُ الْعِلْمُ كَمَا تَأْرُزُ الْحَيَّةُ فِي جُحْرِهَا وَ اخْتَلَفَتِ الشَّيْعَةُ وَ سَمِيَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا كَذَّابِينَ وَ تَقَلَّ بَعْضُهُمْ فِي وُجُوهِ بَعْضٍ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا عِنْدَ ذَلِكَ مِنْ خَيْرٍ فَقَالَ لِي الْخَيْرُ كُلُّهُ عِنْدَ ذَلِكَ ثَلَاثًا. (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۲، ۱۵۸؛ نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۵۹)

ابان بن تغلب گوید: امام صادق عليه السلام فرمودند: چگونه خواهی بود زمانی که بین دو مسجد واقعه‌ای شدید رخ دهد؛ پس علم فروکش کند همانند ماری که به آشیانه خود فرو می‌رود و اختلاف بین شیعیان به وجود آید و گروهی گروه دیگر را دروغگو نامند و آب دهان به صورت یکدیگر اندازند؟ ابان گفت: فدای تو شوم خیری در آن هنگام نخواهد بود. امام فرمودند: تمام خیر در آن هنگام خواهد بود و این جمله را سه بار تکرار کرد.

روایت بطشه یکی از آن روایاتی است که پس از ترسیم فضای خفقان سیاسی فرهنگی

عربستان در مقابله با نشر معارف و فرهنگ شیعه و پنهان شدن علوم اهل بیت علیهم السلام در آن سرزمین، به جریان اختلاف شیعیان که از جریان‌های سیاسی فرهنگی عربستان نشأت گرفته، اشاره دارد. از جمله فقره‌های روایت مذکور، جمع و مخفی گشتن علم مانند رفتن مار به سوراخ خود به صورت سریع و از روی ترس، از منطقه دو مسجد مسجد الحرام و مسجد النبی و بروز اختلاف میان شیعه است. علم به عنوان مبادی مشتق عالم مطرح گردیده و انصراف به عالمان مسلمان به ویژه شیعه دارد که مصداق اتم آن، امام دوازدهم است. علم مذکور، دانش دینی و معارف اصیل اسلامی است. این روایت با بشارت خیر از جانب امام صادق علیه السلام در امر شیعیان خاتمه می‌یابد. ارتباط بین پنهان گشتن علم و اختلاف به این سبب است که فقدان علم به عنوان امام معصوم یا مجتهد جامع الشرایط، وجود جهل و جهل منشأ اختلاف خواهد بود. نیز شایعه پراکنی از سوی دشمنان از دیگر عوامل اختلاف است؛ به گونه‌ای که پخش آن بین شیعیان باعث تکذیب گروه‌های شیعه نسبت به یکدیگر می‌شود. این وقایع به صورت فترت و دوره مرتبط با ظهور اتفاق می‌افتد. محور پژوهش در این روایت مبتنی بر نگرشی درون متنی و استفاده حد اکثری از قرائن داخلی مانند بررسی معنای واژگان مهم روایت، توجه به سیاق روایت و اصول ادبی و لفظی در پرده برداری از نقاط مبهم آن می‌باشد. مانند کشف مراد از وقوع بطشه؛ و مصداق دو مسجد محل وقوع آن و مقصود از یأرز العلم و العلم؛ ارتباط بین آرز علم و وقوع اختلاف و نزاع میان شیعیان؛ فهم چیستی الخیر و ارتباط آن با ظهور؛ تعیین زمان حوادث به عنوان وقایع قبل، بعد و سال ظهور.

به عبارت دقیق‌تر این پژوهش بر پایه ترسیم کامل چالش‌هایی شکل گرفته است که با توجه به فضای صدور روایت با سبکی مبهم بیان شده‌اند، این مهم از طریق تبیین مفهوم واژگان مهم متن حدیث، سیاق روایت و در صورت نیاز، به کارگیری روایات همسو و آراء حدیث پژوهان شیعه در رابطه با روایت مدنظر، به انجام می‌رسد. در این مقاله علاوه بر تبیین چالش‌های اساسی شیعیان مانند، واقعه بطشه، آرز علم، و اختلاف شیعیان و منشأ آن، نسبت به زمان سنجی حوادث مذکور در روایت، به حوادث قبل، بعد و یا سال ظهور توجه ویژه‌ای شده است.

بررسی سنّدی

قبل از بررسی محتوای روایت، شایسته است نکاتی پیرامون وثاقت سند روایت ارائه شود. الف) مراد از «بهذا الاسناد»، سند روایت قبل یعنی «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ» است. (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۲، ۱۵۸) بنابراین سند کامل روایت تا امام صادق علیه السلام عبارت است از:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ.

ب) «عدة من اصحابنا» افراد معینی هستند که تمامی آنها ثقة مورد اطمینان هستند. (مازندرانی، ۱۳۸۲: ج ۱، ۶۸) مراد از «عدة من اصحابنا» عده‌ای از مشایخ کلینی یا مشایخ اجازه می‌باشند که کلینی از باب اختصار سند از درج آنان خودداری ورزیده است. علامه حلی می‌نویسد که همه افراد در «عدة من اصحابنا» نزد اهل رجال، معلوم الحال و ثقة می‌باشند. اسامی تمام این افراد و شرح توثیق آنها به تفصیل ذکر شده است. (حلی، ۱۳۸۱: ۴۰۳) با این وصف عبارت «عدة من اصحابنا» در روایت اتصال سند را از بین نمی‌برد و موجب ارسال در سند نمی‌شود.

ج) «احمد بن محمد» اسم مشترک است و تمییز آن بر اساس روای و مروی عنه است. (همان: ۴۰۳) اما احمد بن محمد بن عیسی و نیز احمد بن محمد بن خالد هر دو از حسن بن علی و شاء نقل حدیث می‌کنند، این اشتراک باقی است (اردبیلی، ۱۴۰۳: ج ۱، ۲۱۱)؛ اما هر دو ثقة‌اند و این اشتراک ضروری وارد نمی‌کند. احمد بن محمد بن عیسی شیخ، وجه و فقیه قمی‌ها بوده، با امام رضا، امام جواد و امام هادی علیهم السلام ملاقات داشته، ثقة و صاحب کتاب بوده است. (اردبیلی، ۱۴۰۳: ج ۱، ۶۹؛ تجلیل تبریزی، ۱۴۱۵: ۱۳؛ خویی، ۱۴۱۱: ج ۲، ۲۱۳) احمد بن محمد بن خالد نیز ثقة است. از ضعف نقل می‌کرده و به مراسیل اعتماد می‌نموده (نجاشی، ۱۳۶۵: ۷۶؛ حلی، ۱۳۸۳: ۴۱) و احمد بن محمد بن عیسی به همین خاطر او را از قم تبعید کرد سپس به قم بازگرداند. (ابن غضائری، ۱۴۰۶: ج ۱، ۱۳۸؛ حلی، ۱۳۸۳: ۴۲۱) روایت او مورد قبول است. (حلی، ۱۳۸۱: ۱۵)

د) حسن بن علی و شاء، ممدوح (کاظمی، ۱۴۰۵: ۱۹۰) و حتی بنا بر مبنای آیت‌الله خویی، به

سبب وقوع در اسناد کامل الزیارات، ثقه است. (خویی، ۱۴۱۱: ج ۲۱، ۱۵۸؛ همو، ۱۴۱۸: ج ۱، ۱۸۵) بلکه از کلام علامه حلی که او را از وجوه طائفه شیعه می‌داند، می‌توان وثاقت وی را پی برد. (حلی، ۱۳۸۱: ۴۱) علامه مجلسی نیز وی را توثیق کرده است. (مجلسی، ۱۴۲۰: ۵۷) (ه) گرچه علامه مجلسی علی بن حسن را بنا بر قول به ظاهر، همان طاطری واقفی مذهب ثقه می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۴، ۵۱)؛ اما نه راوی نه مروی عنه‌های طاطری با سند حدیث مذکور هم‌خوانی ندارد. (ساعدی، ۱۴۳۲: ج ۲، ۴۰۴) گرچه برخی احتمال داده‌اند که او علی بن حسن صیرفی باشد (تبریزی، ۱۴۱۵: ج ۴، ۳۰)؛ اما دلیلی بر تأیید آن یافت نشد. اما بعید نیست که او علی بن حسن بن فضال باشد. (اردبیلی، ۱۴۰۳: ج ۱، ۵۷۱) او نزدیک صد سال عمر داشته و با توجه به این که او از اصحاب امام هادی و عسکری علیه السلام شمرده شده، فاصله آن تا زمان ابان که از شاگردان امام صادق علیه السلام است، قابل قبول است. (خویی، ۱۴۱۱: ج ۱۲، ۳۶۰-۳۶۲) او ثقه و فطحی است. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۵۷) (و) ابان بن تغلب را هم شیعه ثقه می‌داند هم اهل تسنن. (خویی، ۱۴۱۱: ج ۱، ۱۳۱؛ سبحانی، ۱۴۱۸: ج ۲، ۱۸) بنابراین سند روایت، موثق است.

روایت بطشه در نگاه محدثان شیعه

با توجه به این که روایت مدنظر موسوم به بطشه در برترین جامع حدیثی شیعه *الکافی* ثبت شده است، چند تن از برترین فقها و حدیث‌پژوهان نکاتی را پیرامون شرح آن بیان کرده‌اند که شایسته است برای ارتباط با فضای کلی روایت ارائه شود. در نتیجه هم نکات مدنظر محدثان بیان می‌گردد و هم مباحثی که بدان پرداخته‌اند، روشن می‌شود.

چیستی بطشه

غالب محدثان بطشه در روایت مورد نظر را مرتبط با عصر ظهور یا علامت آن چون خروج سفیانی می‌دانند. برخی مانند طریحی به صورت اجمالی اشاره کرده‌اند که مراد کلی روایت ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریع است. (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۴، ۱۳۰) برخی دیگر کمی جزئی‌تر به روایت پرداخته‌اند؛ به عنوان نمونه ملا محسن فیض کاشانی در این جهت دو احتمال مربوط بودن بطشه به حوادث قبل از غیبت کبری و یا از علایم ظهور بودن را مطرح می‌کند و احتمال دوم را نزدیک‌تر می‌داند. (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ج ۲، ۴۱۶) علامه مجلسی نیز به ذکر سه احتمال

بسند می‌پردازد: جنگ؛ خسف یعنی به فرورفتن سرزمین بیداء درحوالی مکه؛ بلایی که نزدیک به ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه محقق می‌شود. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۴، ۵۰-۵۱) اما محدث محمدمین استرآبادی به گونه مفصل‌تری به شرح جزئیات مربوط به بطشه پرداخته و معتقد است این واقعه به خروج لشکر سفیانی بین دو مسجد مکه و مدینه و فتنه‌ای نشأت گرفته از آن اشاره دارد؛ در عراق عرب شخصی مبرقع و نقاب زده از شیعیان، لشکر سفیانی را بر تسلط بر شیعیان راهنمایی می‌کند. (استرآبادی، ۱۴۳۰: ۱۶۱)

هم‌چنین مولی صالح مازندرانی در این باره می‌فرماید:

شاید این کلام امام صادق علیه السلام اشاره داشته باشد به واقعه خروج حسنی و یمانی و سفیانی، و هم‌چنین ظهور فتنه‌ها و مشکلات متعددی که از اجتماع لشکرهای مختلف و برافراشته شدن پرچم‌های مشتبه‌ی که در عراق عرب، بلکه در تمامی سرزمین‌ها به وجود خواهد آمد و هم‌چنین فتنه پسرزن بدکاره که لشکر سفیانی را به تسلط بر شیعیان و منازل‌شان دلالت می‌کند؛ تا جایی که شیعیان از ترس صدمه به غارها و ارتفاعات کوه‌ها پناه می‌برند. (مازندرانی، ۱۳۸۲: ج ۶، ۲۴۴)

مصدق مسجدین

برخی از حدیث‌پژوهان به تعیین احتمال‌هایی به عنوان مصداق واژه مسجدین مندرج در روایت بطشه پرداخته‌اند و غالباً آن را حمل بر مسجدالحرام و مسجدالنبی می‌دانند. علامه مجلسی دو احتمال مطرح می‌کند و احتمال اول را روشن‌تر می‌پندارند؛ اول: مراد، مسجد مکه و مسجدالنبی در سرزمین عربستان است؛ دوم: مسجد سهله و مسجد کوفه درکشور عراق است. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۴، ۵۰-۵۱) محدث استرآبادی روایتی از کتاب *قرب الاسناد* نقل می‌کند مبنی بر این‌که قبل از تحقق امر ظهور، بین حرمین یعنی مکه و مدینه علاماتی رخ خواهد داد و بدین‌وسیله، مصداق مسجدین را تبیین می‌کند. (استرآبادی، ۱۴۳۰: ۱۶۱) مولی صالح مازندرانی نیز معین کرده که مراد از دو مسجد، مکه و مسجدالنبی است. (مازندرانی، ۱۳۸۲: ج ۶، ۲۴۴)

أرز العلم و ارتباط آن با واقعه بطشه

تنها محدثی که به این مورد اشاره داشته است، علامه مجلسی است. وی معتقد است؛ برای پنهان شدن علم، دو احتمال وجود دارد؛ اول: وقوع حادثه‌ای سبب پنهان شدن علم می‌شود؛

دوم: پنهان بودن علم در آن سرزمین بیشتر است چون اهل ظلم در آن جا تسلط بیشتری دارند.
 (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۱۳۵)

مراد از تحقق جمیع خیر

محدث استرآبادی براین باور است که مراد از تحقق جمیع خیر، ظهور الحجة است.
 (استرآبادی، ۱۴۳۰: ۱۶۱) فیض کاشانی در این باره می‌فرماید:
 جمیع خیر به خاطر فزونی اجر و ثواب بر افعال نیک، تنها در زمان غیبت محقق می‌شود.
 (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ج ۲، ۴۱۴)

علامه مجلسی در تحقق وقوع خیر سه احتمال مطرح می‌کند؛ تحقق خیر با ظهور ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الکریم؛ یا در نزدیکی ظهور آن حضرت؛ یا در زمان غیبت کبری، به سبب خاطر وجود فزونی اجر و قوت ایمان. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۴، ۵۰-۵۱)

با وجود این که مطالب ارائه شده توسط محدثان نامدار شیعه در شرح روایت مورد نظر، فضای کلی روایت را به سمت چالش‌های عصر ظهور سوق داد؛ اما تبیین روشنی از حوادث مذکور ارائه نشد؛ بلکه طرح بعضی از احتمال‌ها، خود بر ابهام روایت افزود. بنابراین برای پرده برداری از نقاط مبهم روایت به عنوان چند چالش اساسی که امام در صدد ترسیم آن بوده است، ضرورت اقتضا می‌کند پژوهشی جامع حول فهم مبهمات روایت انجام گیرد. با توجه به این که محور پژوهش در این روایت، مبتنی بر نگرشی درون‌متنی و استفاده حداکثری از قرائن داخلی است؛ ابتدا واژگان کلیدی روایت مفهوم‌یابی شده، سپس با توجه به سیاق و صناعات ادبی و اصولی تعیین و تبیین معنا خواهد شد.

تبیین معنای واژگان مهم

در این جا به بررسی لغوی و مفهومی واژگان مهم و مؤثر در درک معنای حدیث مورد بحث پرداخته می‌شود.

بررسی معنای واژه البطشه

این سؤال مطرح است که واژه بطشه در عبارت اذا وقعت البطشه به عنوان اولین رخداد و منشأ حوادث بعدی در مقام ترسیم چه فضایی است؟ برای فهم این مطلب می‌بایست ریشه واژه بطشه در لغت و استعمال آن در آیات و روایات مورد واکاوی قرار گیرد.

بطشه در لغت عرب به معنای السطوة و الأخذ بالعنف است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۶، ۲۶۷؛ مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۱، ۲۸۸) این عبارت دارای دو بخش است؛ بخش اول السطوة یعنی شدت بطش. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۴، ۳۸۴) بطش به معنای اخذ و گرفتن شدید و با قدرت و غلبه و به عبارت دیگر سخت گیری به هنگام چیره شدن البته با لحاظ این نکته که هرچیزی بطشی دارد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۲۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۶، ۲۶۷؛ طریحی، ۱۳۷۵: ج ۴، ۱۳۰؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۹، ۶۲؛ مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۱، ۲۸۸)

بخش دوم تعریف بطشه الأخذ بالعنف است که نوعی عطف تفسیری برای مفهوم السطوة محسوب می‌شود؛ چرا که العنف ضد رفق و سازگاری و نرم‌خویی، و به معنای خشونت، غضب و بی‌رحمی است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۰، ۱۱۸؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۱۳، ۱۶۷؛ مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۴، ۱۸۶) بنابراین می‌توان یک برهان منطقی تشکیل داد: بطشه با سطوه مترادف است؛ سطوه به معنای شدت بطش و بطش به معنای سخت‌گیری به هنگام چیره شدن است؛ در نتیجه بطشه شدت سخت‌گیری به گاه چیره شدن است. طبق این تحلیل، عبارت البطشه در مقام ترسیم خفقانی شدید بین دو مسجد است؛ اما این که این فضا پیامد حمله ناگهانی لشکریان باشد یا تسلط نظام حکومتی، خارج از معنای لغوی واژه بطشه است و ثبوتش نیاز به قرینه دارد.

بطشه در سیاق آیات و روایات

برای دست‌یابی به مفهوم دقیق‌تر از بطشه، سزاوار است که کاربرد آن در سیاق آیات و روایات نیز مورد بررسی قرار گیرد.

کاربرد البطشة و البطش در آیات

آیات متعددی به حوادث و علائم ظهور اشاره دارند که معصومان علیهم‌السلام در جهت ذکر حوادث ظهور از آنها استفاده کرده‌اند. بنابراین بررسی آیاتی که این واژه در آنها به کار رفته است، از اهمیت زیادی برخوردار خواهد بود.

﴿يَوْمَ تَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَىٰ إِنَّا مُنتَقِمُونَ﴾ (دخان: ۱۶).

نبطش در آیه مذکور، فعل متکلم مع‌الغیر و فاعل آن نحن مستتر و البطشة الكبرى مفعول آن و یوم ظرف وقوعش می‌باشد. مراد از نَبَطِشُ، نُسَلِطُ و نَجْعَلُ است. (ر.ک: قمی مشهدی،

۱۳۶۸: ج ۱۲، ۱۲۶؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۹، ۶۲) یعنی: روزی که ما بزرگ‌ترین بطشه را مسلط می‌سازیم. اما گفته شد واژه البطشة در لغت به معنای سخت‌گیری شدید به گاه چیره شدن است. این واژه در مورد باری تعالی از الفاظ متشابه است؛ چرا که فعل خدا غیر از اعمال قدرتی است که انسان‌ها، از سر غضب و شهوت انجام می‌دهند. بنابراین تنها به جنبه احاطه عذاب الهی اشاره دارد.

﴿وَإِذَا بَطَشْتُمْ بَطَشْتُمْ جَبَّارِينَ﴾ (شعراء: ۱۳۰).

مراد از بَطَشْتُمْ در آیه گفته شده، دستگیری دشمن (مجنوب تبریزی، ۱۴۲۹: ج ۲، ۲۴۳) و عذاب آن از نوع شکنجه ستم‌گران است که از روی غضب، بدون مراعات و همراه با شدت و قهر (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱۳، ۶۲؛ مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۱، ۲۸۸) و به وسیله شلاق، شمشیر و یا کشتن است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۶، ۲۶۷؛ قرشی، ۱۴۱۲: ج ۱، ۲۰۰)

﴿إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ﴾ (بروج: ۱۲).

در مورد آیه یاد شده گفته می‌شود:

از آن جایی که لفظ بطش شدت اخذ را می‌رساند، ذکر لَشَدِيدٌ خصوصاً با توجه به الحاق لام مزحلقة، به تاکید و تشدید متعلق اخذ یعنی عذاب اشاره دارد. (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۳، ۷۶؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱۱، ۱۶۹؛ قرشی، ۱۴۱۲: ج ۱، ۱۹۹-۲۰۰)

﴿وَلَقَدْ أَنْذَرَهُمْ بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا بِالنُّذُرِ﴾ (قر: ۳۶).

هم‌چنین در آیه نامبرده، گرچه بطشه به معنای گرفتن و دستگیر کردن با شدت است (طوسی، ۱۴۰۵: ج ۹، ۴۵۶؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۹، ۸۱)؛ اما آیه در مقام انذار قوم لوط، به عذاب شدید است. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۱، ۲۶۲؛ طوسی، ۱۴۰۵: ج ۹، ۴۵۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۵، ۱۰۳؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱۲، ۱۴۶)

بنابراین دو واژه بطشه و بطش در کاربرد قرآنی به معانی عذاب، تنبیه و انتقام به کار رفته است.

کاربرد البطشة و البطش در روایات

موارد استعمال واژگان البطشة و البطش در لسان روایات، قابل تقسیم به دو نوع کلی است.

نوع اول: متن ادعیه، نصایح، خطب

از آن جا که دو واژه بطشه و بطش در این نوع از متون غالباً به طور مستقیم و غیرمستقیم بر مضامین قرآنی اشارت دارند، در معنای عذاب به کار رفته‌اند. به عنوان نمونه آمده است:

اللَّهُ، اللَّهُ... وَمَا أَتَّكَلَ مَا عِنْدَهُ مِنَ الْأَنْكَالِ وَالْحَجِيمِ وَالْبَطْشِ الشَّدِيدِ. (هلالی، ۱۴۰۵: ج ۲، ۹۵۳)

نیز:

كَفَانَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ كَيْدَ الظَّالِمِينَ وَبَغْيَ الْحَاسِدِينَ وَبَطْشَ الْجَبَّارِينَ أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ! (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱۵، ۴۸)

نوع دوم: متون مربوط به گزارشات تاریخی و مسائل عرفی

در این نوع از متون واژه بطش و بطشه غالباً در معانی لغوی نیرو مانند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ... إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ فِي بَطْشِهِ، فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (طبری آملی کبیر، ۱۴۱۵: ۲۸۸)

و خفقان و فشار شدید مانند:

لَمَّا كَانَتِ السَّنَةُ الَّتِي بَطَشَ فِيهَا هَارُونَ بآلِ بَرْمَكٍ... وَنَزَلَ بِالْبِرَامِكَةِ مَا نَزَلَ. (حرعاملی، ۱۴۲۵: ج ۴، ۳۳۸)

به کار رفته‌اند.

با توجه به این که مفهوم اعمال قدرت شدید و حاکمانه با انگیزه انتقام و عذاب، روح معنایی حاکم در تمامی موارد استعمال ماده بطش است. امام علی (ع) توسط عبارت اذا وقعت البطشه بین المسجدین درصدد ترسیم چالش خفقان شدید یک قدرت، در فضای بین دو مسجد است که برخورد سختی با مخالفان خود دارند.

بررسی معنای واژه یأرز

واژه یأرز در عبارت فَيَأْرُزُ الْعِلْمُ دومین واژه‌ای است که بار معنایی خاصی در فهم روایت دارد و به یکی دیگر از چالش‌های پیش از ظهور اشاره دارد. این واژه در لغت، مضارع باب أَرَزَ، يَأْرُزُ، أَرَزًا وَأُرُوزًا و به معانی تَقَبَّضَ وَتَجَمَّعَ وَتَبَّتْ یعنی جمع گردید و ثابت شد آمده است. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۷، ۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۵، ۵؛ زمخشری، ۱۹۷۹: ۱۴) در حدیث

الْعِلْمُ يَأْرُزُ كَمَا تَأْرُزُ الْحَيَةُ فِي جُحْرِهَا بِهَ مَعْنَى يَنْضُمُ وَيَجْتَمِعُ بَعْضُهُ إِلَى بَعْضٍ يَعْنِي جَمْعُ
 گشتن و به خود منضم شدن (ابن سیده، ۱۴۲۱: ج ۹، ۷۷) و به تعبیر عامیانه چمباتمه زدن
 است. و در حدیث إِنَّ الْإِسْلَامَ لَيَأْرُزُ إِلَى الْمَدِينَةِ كَمَا تَأْرُزُ الْحَيَةُ إِلَى جُحْرِهَا بِهَ مَعْنَى وَقَفَ لَا
 يَنْضِي يَعْنِي ائِسْتَادُ وَ خَارِجٌ نَشَدَ اسْت. (ابن عباد، ۱۴۱۴: ج ۹، ۸۶) أَرَزَّ إِلَيْهِ بِهَ مَعْنَى أَوَى إِلَيْهِ
 یعنی بدان پناه گرفت است. (شیبانی، ۱۹۷۵: ج ۱، ۵۷) گویند: فلان لایزال یأرزُ إلى وطنه یعنی
 حیثما ذهبَ رَجَعَ إِلَيْهِ بَدِينِ مَفْهُومُ كِه هِر كجَا كِه برود دوباره به سویش باز می‌گردد.
 (زمخشری، ۱۹۷۹: ۱۴) أَرَزَ در حدیث لم یَنظُرُوا فِی أَرَزِّ الْكَلَامِ یعنی حصره و جمعه و التروی فیه
 بدین مضمون كه آن را حصر و جمع کردند و از آن روایت نمودند. (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۴، ۵)
 الْمَأْرُزُ بِهَ مَعْنَى پِنَاهِگَا هَ اسْت. (همان)

بنابراین مجموعه معانی باب آرز یأرز در لغت عبارتند از جمع گشتن و بازگشتن و منضم شدن
 و پناه گرفتن. از آن جا كه این واژه و مشتقات آن در قرآن نیامده است، کاربرد آن در روایات
 بررسی می‌شود.

معانی واژه یأرز در سیاق روایات

سزاوار است نمونه‌هایی از کاربرد واژه مذکور در برخی روایات مورد بررسی قرار گیرد تا به درک
 بهتر از معنای آن متناسب با روایت مورد بحث رسید.

سَتَخَلُّوْا الْكُوفَةَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَيَأْرُزُ عَنْهَا الْعِلْمُ كَمَا تَأْرُزُ الْحَيَةُ فِي جُحْرِهَا ثُمَّ يَظْهَرُ الْعِلْمُ
 بِلِدَّةٍ يُقَالُ لَهَا قَم. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۷، ۲۱۳؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳: ج ۲۱، ۳۴۳)

با توجه به قرینه خالی شدن کوفه از مؤمنان و نیز ظهور علم در قم، مقصود از یأرز العلم،
 همان خالی شدن کوفه از علم به سبب اختفاء آن است.

اللَّهُمَّ وَإِنِّي لَأَعْلَمُ أَنَّ الْعِلْمَ لَا يَأْرُزُ كُلَّهُ، وَلَا يَنْقَطِعُ مَوَادُّهُ وَأَنَّكَ لَا تُخْلِي أَرْضَكَ مِنْ حُجَّةٍ
 لَكَ عَلَى خَلْقِكَ. (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۲، ۱۴۲)

فقره أن العلم لا یأرز کله به معنای لا تذهب کله عن الخلق (مازندرانی، ۱۳۸۲: ج ۱، ۳۷) و
 ذهاب و رفتن، کنایه از پنهان شدن است.

مجموع معانی این واژه در کاربرد روایی‌اش، به معنای اختفاء و ذهاب است.
 با توجه به معنای لغوی یأرز و استعمال آن در روایات، با پنج احتمال معنایی اجتماع علم،

بازگشت علم، ثبوت علم، پناه بردن علم و مخفی شدن علم مواجه است که هر کدام بار معنایی خاصی را به عنوان یکی از چالش‌های احتمالی مرتبط با ظهور به همراه دارند.

تشبیه در یأرز العلم

قبل از این که در مقام تعیین معنا، جمله یأرز العلم در سیاق روایت قرار گیرد و از اجمال خارج شود، این سؤال مطرح است که آیا واژه آرز از الفاظ مشترکی است که معانی جمع، رجع، ثبت، لاذ و اختفا به صورت مستقل، در اِزای او وضع شده‌اند یا یک حقیقت معنایی دارد که سیاق‌های مختلف، قابلیت بازتاب حالت‌های گوناگون آن حقیقت را دارد.

یکی از مهم‌ترین اموری که سنخ کلام معصومان علیهم‌السلام را از غیر، متمایز ساخته است، لحاظ لایه‌های معنایی در ساختار سخن، از طریق به کارگیری واژگان و عبارات‌هایی که در عین اختصار، توان انعکاس ابعاد مختلف یک حقیقت را دارند. بنابراین برای پی بردن به عمق کلام امام صادق علیه‌السلام در مورد عبارت یأرز علم علاوه بر بررسی دقیق الفاظ و توجه به صناعت‌های ادبی موجود در کلام‌شان امری ضروری است که با لحاظ این ضرورت در مقام تعیین معنای یأرز علم تشبیه موجود در روایت، مورد بررسی می‌گیرد. برای کشف مراد امام از میان پنج احتمال جمع، رجع، ثبت، لاذ و اختفا تشبیه فوق مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

عبارت یأرز العلم به عنوان مشبه، توسط ادات تشبیه کما به تأرز الحیة فی جحرها تشبیه شده است. تشبیه آرز علم به آرز مار در آشیانه، مبتنی بر وجود وجهی از شباهت میان آن دو است که امام در مقام افاده معنا، آن را به عنوان شاخص، لحاظ کرده است و تشبیه خود را با هدف به تصویر کشیدن آن ارائه کرده است. آن شاخص را وجه شبه نامند. وجه شبه، بارزترین خصوصیت در مشبّه به است که به عنوان معیار، در تشبیه مشبّه، به مشبّه به قرار گرفته است.

به عنوان مثال؛ در عبارت زید کالاسد، زید توسط کاف به شیر تشبیه شده است؛ اما از آن جایی که دو صفت شجاعت و بوی بد دهان به صورت مشترک، در شیر وجود دارد، مخاطب ناآشنا به زبان تشبیه، برای فهم وجه شباهت زید به شیر، از میان شجاعت و بوی بد دهان، باید کشف کند کدامین یک از آن دو صفت نزد اهل زبان بروز و ظهور بیشتری در حیوان شیر پیدا کرده است و به عنوان شاخص تشبیه لحاظ شده است. (موسوی قزوینی، ۱۳۷۱: ۲۰۷)

خصوص آرز مار چند معنا از جانب اهل لغت ذکر شده است: از قبیل ثبتت فی مکانها، لاذت

بجرها و رجعت إليه، تَنْقِيضٌ، يجتمع بعضه إلى بعض (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۵، ۳۰۵؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۸، ۴) که هرکدام به حالت خاصی از حرکت و سکون مار اشاره دارند، اما در این میان معنای خاصی ارائه شده است که بیانگر ریشه عرفی وضع معنای واژه آرز در زبان عرب است. ضریر می‌گوید:

الْأَرْزُ أَنْ تَدْخُلَ الْحَيَّةُ جُحْرَهَا عَلَى ذَنَبِهَا، فَأَخِرُّمَا يَبْقَى مِنْهَا رَأْسُهَا. فَيَدْخُلُ بَعْدُ وَإِنَّمَا تَأْرُزُ الْحَيَّةُ عَلَى هَذِهِ الصِّفَةِ إِذَا كَانَتْ خَائِفَةً وَإِذَا كَانَتْ أَمِنَةً فَهِيَ تَبْدَأُ بِرَأْسِهَا فَتَدْخُلُهُ وَ هَذَا هُوَ الْأَمْحَارُ. (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۸، ۴)

یعنی وارد شدن مار به آشیانه، از طرف دم را آرز گویند. پس آخرین عضوی که از او بیرون ماند سر اوست، سپس سر او نیز وارد آشیانه شود. مار تنها زمانی با این حالت وارد آشیانه خود می‌شود که احساس خطر کند. چرا که در زمان امنیت، از طرف سر وارد آشیانه می‌شود و این نوع ورود را از طرف سر انجحر نامند.

این تعریف نقاط مبهم زیادی را از تشبیه امام و وضع معانی لغوی واژه آرز روشن می‌سازد. از جمله این که اصل وضع واژه آرز در زبان عرب در خصوص عکس‌العمل مار، هنگام احساس خطر است؛ آرز فعلی ترکیبی، از حرکت تا سکون است؛ از ورود تا پنهان شدن کامل نه یک حرکت یا سکون؛ و ریشه معنا در واژگان رجع، لاذ، جمع، ثبت، خاف، اختفا که اهل لغت برای ماده آرز، یأرز ارائه کرده‌اند، قسمتی از معنای آرز است؛ نیز آرز پنهان شدن در محدوده خاصی است؛ چرا که ورود از عقب تنها زمانی برای مار مقدور است که نزدیک به آشیانه باشد.

بنابراین شاخص تشبیه در عبارت یأرز العلم كما تأرز الحية فی جحرها تمام معنای الأرز است که با توجه به آن اثبات می‌شود امام در مقام بیان پنهان شدن تدریجی علم در فضای بین دو مسجد بوده است؛ نه بخشی از معنای آن مانند رجوع کردن علم و یا جمع شدن و یا ثابت ماندن علم. این تبیین علاوه بر پاسخگویی به سؤال مطرح شده در ابتدای بحث، درباره حقیقت وضع در واژه آرز، ادعی بدوی بودن ظهور تأرز الحية فی جحرها در ثابت ماندن مار در آشیانه را، با توجه به اضافه واژه فی به جحرها، قابل پذیرش خواهد کرد؛ لذا دومین چالش پیش روی شیعیان جمع شدن تدریجی علوم اهل بیت عليهم السلام در فضای بین دو مسجد است. اگرچه هنوز مراد از علم مشخص نیست.

بررسی معنای واژه العلم

با بررسی معنای واژه آرز و تبیین وجه شبهه، مراد امام از تشبیه آرز علم به آرز مار، روشن شد. اما بدون کشف اراده امام از واژه العلم ابهام روایت نسبت به چالش پنهان شدن علم به طور کامل برطرف نخواهد شد. چرا که هنوز این سوال مطرح است که آیا واژه العلم در معنای مصدری خود به معنای دانش به کار رفته است یا کنایه از معنایی غیرظاهر است؟

طبق قواعد لفظی اصالة الظهور در صورت شک در معنای غیرظاهر، بنای اولیه عقلاً بر اخذ معنای وضعی کلمه، به عنوان مراد متکلم و الغاء احتمال معنای غیروضعی توسط قاعده اصالة الحقیقه است. اما باید توجه داشت جریان اصالة الظهور به عنوان یک اصل عقلایی مبتنی بر تحقق ظهور است و تحقق ظهور متوقف بر عدم وجود قرینه صارفه و حتی محتمل القرینیه در سیاق کلام است؛ چرا که در صورت وجود قرینه برخلاف معنای ظاهر اصلاً ظهوری در معنای حقیقی پیدا نخواهد شد؛ بلکه از همان ابتدا کلام منصرف به معنای غیروضعی و یا مجمل خواهد شد. (مظفر، ۱۳۷۹: ج ۱، ۳۱-۳۲) برای مثال در عبارت رایت اُسداً یرمی، اُسد به قرینه یرمی انصراف به مرد شجاع دارد نه حیوان درنده. هم‌چنین تحقق ظهور واژه العلم در معنای وضعی خود دانش متوقف بر احراز عدم قرینه برخلاف معنای ظاهر است. بنابراین قبل از بررسی قرینه، حداقل دو احتمال مطرح است.

احتمال اول: مراد از العلم همان معنای وضعی علم باشد. در این صورت معنی روایت این‌گونه خواهد شد؛ زمانی که فشار شدیدی بین دو مسجد واقع شود، دانش و معارف دین، پنهان خواهد شد؛ مانند ماری که با حالت ترس به آشیانه خود فرو می‌رود.

احتمال دوم: مراد از العلم حامل ماده علم، یعنی عالم باشد. پس معنای روایت این‌گونه خواهد شد؛ زمانی که فشار شدید بین دو مسجد واقع شود، عالم پنهان خواهد شد؛ مانند ماری با حالت ترس که به آشیانه خود فرو می‌رود. با توجه به این که محور پژوهش درون‌متنی است، در مقام تعیین یکی از دو احتمال فوق، ابتدا قرائن داخلی، سپس قرائن برون‌متنی آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

قرائن داخلی

برای تعیین یکی از احتمال‌های گفته شده درباره علم، لازم است تا قرینه‌های داخلی مورد مطالعه قرار گیرد.

الف) با توجه به این که علم مبدأ فعل عالم است، می تواند به سبب رعایت مصالحی چون اهمیت آن دانش یا آن دانشمند، مهم بودن مخفی نگه داشتن فاعلیت عالم، به عنوان عالم به کار رود. این همان است که در ادبیات عرب از آن به عنوان مجاز از نوع قصرافراد نام می برند. (مغربی، ۱۴۲۹: ج ۱، ۴۷۱)

ب) جریان پنهان شدن علم پس از وقوع بطشه حکایت از ارتباط میان آن دو دارد. به خصوص با توجه به ترکیب دو جمله إذا وقعت البطشة و فیأرز العلم که توسط ادات إذا و فاء به هم گره خورده اند.

ج) صدر روایت، یعنی إذا وقعت البطشه بیان کننده خفقان و فشار شدید ظالمان است که با توجه به جمله جزاء، نسبت به علم و متوجه فعالیت عالمان و مبلغانی است که محل نشر و پرورش علم هستند.

قرائن خارجی

روایاتی وجود دارند که اشاره به ارتباط آرز العلم و فقدان عالم دارند. به عنوان نمونه در روایتی آمده است:

يأرز العلم إذ لم يوجد حملة يحفظونه ويؤدونه كما يسمعونه من العالم. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۳۷)

علم پنهان می شود، زمانی که حاملانی برای حفظ و ارائه آن - چنان که از عالم شنیده اند - یافت نشود. طبیعی است که اگر شخص حامل و حافظ، مطلبی علمی را خوب از عالم بشنود، خود واجد آن علم می شود، در این حالت می توان سبب اختفاء علم را با واسطه حاملان آن، به عالم نسبت داد. هم چنین آمده است:

اللَّهُمَّ وَإِنِّي لَأَعْلَمُ أَنَّ الْعِلْمَ لَا يَأْرُزُ كُلُّهُ وَلَا يَنْقَطِعُ مَوَادُّهُ وَأَنَّكَ لَا تُخْلِي أَرْضَكَ مِنْ حُجَّةٍ لَكَ عَلَى خَلْقِكَ ظَاهِرٍ لَيْسَ بِالْمُطَّاعِ أَوْ خَائِفٍ مَعْمُورٍ كَيْلًا تَبْطُلَ حُجُجُكَ وَلَا يَضِلَّ أَوْلِيَاؤُكَ بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَهُمْ. (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۲، ۱۴۲)

یعنی بارالها می دانم که تمام علم پنهان نخواهد شد و ریشه آن بریده نمی شود و زمینت را خالی از حجت نخواهی گذاشت. ارتباط بین ایمان به امری غیبی مانند وجود حجت خدا به سبب اقراری که در این دعا نسبت به آن انجام می دهد، کاملاً با آرز و اختفای علم

همخوانی دارد. حتی می‌تواند به مهم‌ترین مصداق عالم در زمان ظهور و فضایی که روایت مورد بحث آن را بازگو می‌کند یعنی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الیه اشاره داشته باشد. در روایت مهم دیگری آمده است:

ستخلوا الكوفة من المؤمنین و یأرز عنها العلم كما تأرز الحیة فی جحرها ثم ینظر العلم ببلدة یقال لها قم. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۷، ۲۱۳؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳: ج ۲۱، ۳۴۳)

روایت مذکور اشاره به این دارد که چون کوفه از مؤمنان خالی می‌گردد، علم از آن جا چون ماری که در سوراخ می‌رود، پنهان و جمع می‌شود. رابطه مؤمنان با علم جز با این فرض که همه آنها یا برخی از آنان صاحبان علم باشند، معنا پیدا نمی‌کند.

بنابراین باتوجه به ثبوت ارتباط بین وقوع بطشه و آرز علم، پنهان شدن تدریجی علم، در فضای بین دو مسجد، به خاطر مقابله شدید حکومت با فعالیت‌های علمی، تبلیغی علما و مبلغان شیعه است. لحاظ این ارتباط در روایت مسلم است. پس مراد از العلم، علوم حقیقی الهی است که از ناحیه نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اوصیای ایشان صادر شده و نزد علمای ربّانی شیعه است.

اختلاف شیعه

بزرگ‌ترین چالش مطرح شده در روایت مورد بحث، وقوع اختلاف و نزاع درونی شیعیان، تکذیب و توهین آنان به یکدیگر است. بنابراین لازم است منشأ، عامل و کارگزاران ایجاد اختلاف میان شیعیان کشف شود. طبیعی است منشأ اختلاف مردم در هر موضوعی، ریشه در جهل آنها به حقیقت آن موضوع دارد؛ چنان‌که در روایتی اختلاف مردم در امر امامت به جهل آنها تعلیل شده است. (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱، ۴۸۹) از طرفی هر گروهی با اعتقاد به این که برحق هستند، بر اعتقاد خود پافشاری کرده و به مقابله با مخالفان خود برمی‌خیزند. این حکم در مورد روایت مدنظر نیز صادق است. بنابراین اختلاف شیعیان در آن برهه نشأت گرفته از جهل آنها به حزب حق است. اشتباه و تلبس حق و باطل زمانی به اوج خود می‌رسد که کارگزار فتنه شخص موجّه و قابل اعتمادی باشد که مردم کورکورانه تابع او شوند. این معنی با توجه به پنهان شدن علم و فقدان علمای ربّانی کاملاً روشن است. اما عمده‌ترین راهکار ایجاد نزاع که در این روایت با ظرافت به آن اشاره شده است، انتشار دروغ و شایعه در جوامع شیعی است؛ به

طوری که حقیقت بر مردم مشتبه شده و قدرت تمییز حق از باطل را از دست خواهند داد. از آن جایی که اصلی ترین دشمن معارف و تفکر شیعی طبق مصداق‌های مورد نظر در روایت، ظالمان حاکم بر سرزمین عربستان معرفی شده است، انگشت اشاره در ایجاد فتنه میان شیعیان، به سمت آنها دراز شده است. عامل ایجاد فتنه در میان شیعیان را دست نشانده آن ظالمان می‌داند. مؤید این ادعا آراء علمای شیعه حول وقوع بطشه است که اختلاف بین شیعیان را نشأت گرفته از بطشه در عربستان می‌دانند؛ با این مناسبت که فردی از شیعیان با لقب مبرقع یعنی پوشیده‌دار، مترفع یعنی بزرگی طلب و ابن بغی یعنی پسرزن بدکاره، در عراق عرب ظهور خواهد کرد و عامل اختلاف و تسلط لشکر سفیانی بر شیعیان خواهد شد. (ر.ک: استرآبادی، ۱۴۳۰: ۱۶۱؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۱۳۰، ۴؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۴، ۵۱)

تصور خفقان شدید و جمع شدن بساط علم و نزاع شدید میان شیعیان، موجب شد تا ابان بن تغلب در جواب سؤال امام بگوید: «خیری در آن هنگام نخواهد بود.» اما امام صادق علیه السلام پاسخ می‌دهد که همه خیر در آن زمان اتفاق می‌افتد. این پاسخ دور از انتظاری نبود، زیرا چنانچه سابقاً در کلام محدثان شیعه آورده شد، این خیر یا به سبب نفس ظهور است و یا لوازم آن مانند فزونی اجر و ثواب بر افعال نیک. (استرآبادی، ۱۴۳۰: ۱۶۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ج ۲، ۴۱۴؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۴، ۵۰-۵۱)

بنابراین: الخیر و مراد از آن آخرین کلید واژه در روایت مدنظر است که تبیین آن نقشی محوری در جهت‌دهی زمان وقوع سایر حوادث موجود در روایت را دارد. به خصوص با توجه به ارتباط حوادث مذکور در روایت با تحقق جمیع خیر، به نحو مقدمه وقوعی، یا ظرف حصولی؛ لذا برای دست‌یابی به مراد امام از وقوع جمیع خیر راهی جز زمان‌سنجی وقایع موجود در روایت نیست.

روایات تصحیف نما و همسو

با توجه به این که قدرت حفظ، بیان و سطح درک راویان متفاوت است، تفاوت‌های اندک در پاره‌ای از گزاره‌های روایی، امری طبیعی است. بنابراین اختلاف یا تشابه الفاظ، ملازم با تصحیف نیست؛ بلکه شامل نقل به معنا و حتی تبیین معنا نیز می‌گردد. نقل روایت بطشه از کتاب *الکافی* با توجه به اضبط بودن آن (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱، ۳)، محور این پژوهش قرار

گرفت و سایر روایات هم سیاق، با تراز مفهوم او مورد سنجش قرار گرفتند. با این همه توجه به روایات مشابه فواید فراوانی دارد. مثلاً در نقل روایت بطشه از نعمانی، به جای انت و تفل، به ترتیب واژگان انتم، يتفل آمده است؛ نیز داشتن واژگان اضافی چون فیها و بینهم حاکی از اختصاص پنهان شدن معارف اهل بیت علیهم‌السلام به سرزمین عربستان با واژه فیها و نیز اختلاف و نزاع درونی شیعیان با توجه به واژه بینهم است. هم‌چنین حوادث روایت بطشه مربوط به پیش از ظهور، اما نزدیک به آن به سبب عبارت یَریدُ قُرْبَ الْفَرَجِ می‌باشد. بنابراین مراد از وقوع همه خیر، فرج امت اسلامی بلکه همه جوامع بشری با ظهور منجی است. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۵۹)

نکته‌ای شایان ذکر است و آن این که در روایت نعمانی، به جای البطشة، السبطة آمده که به معنای ممتد و صاف و گسترش یافتن در آسانی است. (ابن عباد، ۱۴۱۴: ج ۸، ۲۷۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۹۴) حتی در روایتی آمده است:

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَصِيبُهُمْ فِيهِ سَبْطَةٌ يَأْرِزُ الْعِلْمُ فِيهَا بَيْنَ الْمُسْجِدَيْنِ كَمَا تَأْرِزُ الْحَيَّةُ فِي جُحْرِهَا، يَعْنِي بَيْنَ مَكَّةَ وَالْمَدِينَةِ، فَبَيْنَمَا هُمْ كَذَلِكَ إِذْ أَظْلَعَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُمْ نَجْمَهُمْ قَالُوا قُلْتُ وَمَا السَّبْطَةُ قَالُوا الْفِئْرَةُ وَالْغَيْبَةُ لِإِمَامِكُمْ قَالُوا قُلْتُ فَكَيْفَ نَصْنَعُ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ فَقَالَ كُونُوا عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَطْلُعَ اللَّهُ لَكُمْ نَجْمَكُمْ. (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۲، ۳۴۹)

بدین معنا که زمانی می‌آید که مردم دچار سبطة می‌شوند؛ علم در آن جا بین دو مسجد در مکه و مدینه خارج شده و از ترس بیرون نمی‌آید مانند مار؛ در آن زمان است که خدا ستاره‌شان را طلوع دهد. راوی سؤال می‌کند که سبطة چیست؟ امام می‌فرماید: دوره زمانی و یک فترت است که همان غیبت امام خواهد بود. حتی در روایت دیگری سبطة را دوره زمانی کمتر از دوره فترت می‌داند. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۶۰) بنابراین اختلاف بین دو واژه بطشة و سبطة را نمی‌توان فقط از روی تصحیف دانست؛ بلکه عواملی چون تعمد راوی به فهماندن دقیق تر الفاظ امام و یا نقل به معنا یا عوامل غیر عمدی چون خلط دو نوع روایت گفته شده توسط راوی وجود دارد.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب گفته شده می‌توان گفت: پیدایش جریان‌ها و تحولات فرهنگی، سیاسی جوامع اسلامی یکی از مهم‌ترین مسائلی بوده است که همواره مورد توجه معصومان علیهم‌السلام بوده

است. روایت بطشه یکی از آن روایاتی است که در قالب یک سوال و جواب کوتاه، در صد ترسیم چند چالش اساسی پیش از ظهور و منشأ آنها بر آمده است؛ از جمله فشار و مقابله شدید سیاسی، فرهنگی عربستان با نشر معارف و فرهنگ شیعه و پنهان گشتن تدریجی علوم اهل بیت علیهم السلام در آن جا و جریان اختلاف و نزاع درونی شیعیان. منشأ همه مشکلات در روایت، بسته به جریان فکری حاکم بر عربستان است و در نهایت، با بشارت تحقق جمیع خیر، به مهم ترین چالش روانی شیعیان عصر ظهور، در مواجه با حوادث متصل به ظهور سامان داده است. از جمله فقره های روایت مذکور، مخفی گشتن تدریجی علم مانند خزیدن مار به آشیانه خود، از روی ترس، در منطقه بین دو مسجد مسجد الحرام و مسجد النبی است. علم با توجه به مبادی مشتق عالم مطرح گردیده است. پنهان گشتن معارف اصیل اسلامی به واسطه سخت گیری شدید حکام عربستان و انتشار دروغ و شایعه در جوامع شیعی به عنوان دو منشأ اساسی اختلاف و نزاع معرفی شده است. این وقایع به صورت فترت و دوره متصل با ظهور اتفاق می افتد. بنابراین امام با طرح سؤال ابتدایی، چند چالش اساسی شیعیان عربستان و سایر جوامع را مطرح کرده و با اشاره به منشأ آن، زیرکانه راه نفوذ و مقابله با آن را اشاره کرده است. نیز ذهنیت ابان به عنوان راوی حدیث مذکور را نسبت به چالش غیبت امام زمان علیه السلام و حوادث مرتبط با آن را آماده کرده است، و فشار روانی او و جمیع شیعیان را با بشارت امیدبخش ظهور تسکین داده است. روایات مذکور از طرق مختلف به ابان بن تغلب ختم می شود که همگی در صد ترسیم برهه ای از زمان هستند که علم پنهان شده و از دسترس مردم خارج خواهد شد و شیعیان نسبت به شناخت امور معرفتی خود دچار حیرت و سرگردانی خواهند شد. این چالش مهم که روای را به سوال از امام وا می دارد که در این مدت چه کنیم؟ می تواند به عنوان تمام هدف امام از صدور این روایت باشد که به پایداری بر عقیده تا زمان ظهور ستاره آسمان امامت تاکید می کند؛ چرا که این زمان متصل به ظهور خواهد شد. این روایات گرچه با صراحت به اختلاف درونی شیعیان اشاره نداشت؛ اما به منشأ تحیر آنها یعنی فقدان علم و عالم ربانی در عصر پیش از ظهور اشاره دارد. بنابراین چالش های موجود در روایت بطشه تنها در مورد برهه ای از آخرالزمان صدق می کند نه، دوران غیبت، یا پس از ظهور.

منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة. تهران: اسلامیه، ۱۳۹۵ق.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم والمحیط الاعظم، بیروت: دارالکتب العلمیه، اول، ۱۴۲۱ق.
- ابن عباد، إسماعیل صاحب، المحيط فی اللغة، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۱۴ق.
- ابن غضائری، احمد بن حسین، رجال ابن الغضائری، قم: مؤسسه اسماعیلیان، اول، ۱۴۰۶ق.
- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، اول، ۱۴۰۴ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارصادر، سوم، ۱۴۱۴ق.
- اردبیلی، محمد بن علی، جامع الرواه وازاحه الاشتباهات عن الطرق والاسناد، قم: مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی، اول، ۱۴۰۳ق.
- استرآبادی، محمد امین، الحاشیه علی اصول الکافی، قم: دارالحديث، اول، ۱۴۳۰ق.
- بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نور الله، عوالم العلوم والمعارف والأحوال من الآیات والأخبار والأقوال (مستدرک سیده النساء إلی الإمام الجواد)، قم: مؤسسه الإمام المهدي عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ الرَّحْمٰنِ، ۱۴۱۳ق.
- تبریزی، جواد، الموسوعة الرجالية ترتيب اسانيد كتاب الكافي، قم: دارالصدیقه الشهیده عَلَيْهَا السَّلَامُ، ۱۴۲۹ق.
- تجلیل تبریزی، ابوطالب، معجم الثقافات وترتیب الطبقات، قم: مؤسسه النشر، ۱۴۱۵ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، بیروت: اعلمی، اول، ۱۴۲۵ق.
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر، اول، ۱۴۱۴ق.
- حلّی، حسن بن علی بن داود، رجال ابن داود، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، اول، ۱۳۸۳ق.
- حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر، خلاصة الأقوال فی معرفة أحوال الرجال، نجف اشرف: منشورات المطبعة الحیدریة، دوم، ۱۳۸۱ق.
- خوئی، ابوالقاسم، معجم رجال الحديث وتفصیل طبقات الرجال، قم: مؤسسه آل البيت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، اول، ۱۴۱۱ق.
- _____، موسوعة الإمام الخوئی، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی، اول، ۱۴۱۸ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ق.

- زمخشری، محمود بن عمر، *أساس البلاغة*، بیروت: دارصادر، ۱۹۷۹ م.
- ساعدی، حسین، *الضعفاء من رجال الحديث*، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث، ۱۴۲۶ ق.
- سبحانی، جعفر، *کلیات فی علم الرجال*، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه، ۱۴۰۱ ق.
- _____، *موسوعة طبقات الفقهاء*، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۸ ق.
- شیبانی، محمد بن حسن، *کتاب الجیم*، قاهره: الهیئه العامه لشئون المطابع الامیریة، اول، ۱۹۷۵ م.
- طباطبائی، محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، دوم، ۱۳۹۰ ق.
- طبری آملی کبیر، محمد بن جریر بن رستم، *المستدرشد فی إمامة علی بن أبی طالب علیه السلام*، قم: کوشانپور، اول، ۱۴۱۵ ق.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، *مجمع البحرین*، تهران: مرتضوی، سوم، ۱۳۷۵ ش.
- طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، اول، ۱۴۰۵ ق.
- غفار، عبدالرسول، *الکلینی و الکافی*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ ق.
- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، *تفسیر الصافی*، تهران: مکتبه الصدر، دوم، ۱۴۱۵ ق.
- _____، *السوفی*، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۴۰۶ ق.
- قرشی، علی اکبر، *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ششم، ۱۴۱۲ ق.
- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اول، ۱۳۶۸ ش.
- کاظمی، محمد امین، *هدایة المحلثین*، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، اول، ۱۴۰۵ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، قم: دارالحديث، اول، ۱۴۲۹ ق.
- مازندرانی، محمد صالح، *شرح الکافی - الأصول و الروضة (للمولی صالح المازندرانی)*، تهران:

- المكتبة الإسلامية، اول، ١٣٨٢ق .
- مجذوب تبريزي، محمد، الهدايا لشعبة أئمة الهدى، قم: دارالحديث، ١٤٢٩ق .
- مجلسي، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بيروت: مؤسسة الوفاء / دارالاحياء التراث العربي، اول، ١٤٠٤ق .
- _____، مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، تهران: دارالكتب الإسلامية، دوم، ١٤٠٤ق .
- _____، الرجيزة في الرجال، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، اول، ١٤٢٠ق .
- مصطفوي، حسن، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، اول، ١٣٦٨ش .
- مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، قم: انتشارات اسماعيليان، ١٣٧٩ش .
- مغربي، احمد بن محمد ابن يعقوب، مواهب الفتاح في شرح تلخيص المفتاح، بيروت: دارالكتب العلمية، اول، ١٤٢٩ق .
- موسوي قزويني، ابراهيم، ضوابط الأصول، قم: مؤلف، ١٣٧١ق .
- نجاشي، احمد بن علي، رجال النجاشي، قم: مؤسسة النشر الاسلامي التابعه لجامعه المدرسين بقم المشرفه، ششم، ١٣٦٥ش .
- نعماني، ابن ابى زينب محمد بن ابراهيم، الغيبة للنعماني، تهران، نشر صدوق، اول، ١٣٩٧ق .
- هلالى، سليم بن قيس، كتاب سليم بن قيس الهلالي، قم: الهادى، اول، ١٤٠٥ق .